

بولتن کارگری

شماره یک

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد



۱۶ هزار کارگر در حوادث کاری جان باخته‌اند!

بر اساس گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان پزشکی قانونی کشور، طی ۱۰ سال از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا پایان سال ۱۳۹۶، ۱۵۹۹۷ کارگر (۱۵۷۶۷ مرد و ۲۳۰ زن) بر اثر حوادث کاری جان خود را از دست داده‌اند. بطور میانگین در سال ۱۶۰۰ کارگر جان‌شان را بر اثر حوادث کاری از دست دادند.

بنابراین گزارش همین منبع، در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۶۷۵ کارگر بر اثر حوادث کاری جان‌شان را از دست دادند که در مقایسه با ۱۶۴۵ کارگر جان‌باخته در سال ۱۳۹۵ رشد ۱/۹ درصدی را نشان می‌دهد.

قابل یادآوری است، در سال ۱۳۹۵ هم در مقایسه با ۱۴۹۴ کارگر جان‌باخته بر اثر حوادث کاری در سال ۱۳۹۴ با رشد ۱۰/۱ درصدی روبه‌رو بودیم.

همچنین طی ۱۰ سال گذشته بیش‌ترین آمار جان‌باختگان ۱۹۹۴ کارگر در سال ۱۳۹۲ و کمترین آن ۱۲۲۴ نفر در سال ۱۳۸۸ به ثبت رسیده است.

سال ۱۳۸۷: ۱۴۸۱ کارگر

سال ۱۳۸۸: ۱۲۲۴ کارگر

سال ۱۳۸۹: ۱۲۹۰ کارگر

سال ۱۳۹۰: ۱۵۰۷ کارگر

سال ۱۳۹۱: ۱۷۹۶ کارگر

سال ۱۳۹۲: ۱۹۹۴ کارگر

سال ۱۳۹۳: ۱۸۹۱ کارگر

سال ۱۳۹۴: ۱۴۹۴ کارگر

سال ۱۳۹۵: ۱۶۴۵ کارگر

سال ۱۳۹۶: ۱۶۷۵ کارگر.

بنابراین گزارش، در ۱۰ سال گذشته بیش‌ترین قربانیان حوادث کاری در سه استان تهران با ۳۳۷۱، اصفهان با ۱۳۸۳ و خراسان رضوی با ۸۸۰ نفر ثبت شده است.

در حوادث کار عمده علت مرگ کارگران سقوط از بلندی است. بر اساس آمارهای موجود طی ۱۰ سال گذشته ۶۶۴۰ کارگر بر اثر سقوط از بلندی جان خود را از دست داده‌اند که ۴۱/۵ درصد از قربانیان حوادث کار ۱۰ ساله را در بر می‌گیرد.

پس از آن برخورد جسم سخت با ۳۷۵۶، برق گرفتگی ۲۲۱۵، سوختگی با ۸۱۹ و کمبود اکسیژن با ۶۷۰ کارگر جان‌باخته در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

خاطر نشان می‌شود، وزارت کار تعداد کارگران جان‌باخته در سال ۱۳۹۶ را ۸۴۳ نفر گزارش کرده و مدعی است طی ۱۰ سال گذشته ۱۰۶۹۳ کارگر بر اثر حوادث کاری جان‌شان را از دست دادند. وزارت کار با کاهش آمار کشته‌شدگان حوادث کاری، می‌کوشد بر نقش و مسئولیت خود در بی‌توجهی به شرایط ایمنی کار سرپوش بگذارد.

آغاز سخن

اینک اولین شماره بولتن خبری «کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد» در مقابل شماست. این بولتن آخر هر ماه به دو زبان فارسی - سوئدی با هدف افزایش همبستگی بین کارگران ایران و سوئد و خبررسانی منتشر خواهد شد. هدف اصلی تبلیغ و ترویج ما، نه تنها مدیریت کارگری، بلکه مدیریت کل جامعه توسط شوراهای مردمی است. بحثی که امروز برخی نمایندگان کارگران ایران مطرح کرده‌اند طبیعتاً فعالین ضدکاپیتالیست باید این بحث را به طور همه جانبه تبلیغ و ترویج کنند.

ایده مدیریت کارگری بر تولید و اجتماع اشاره دارد و این‌که قدرت در جامعه منحصر و مستقیماً در دست شوراها و سایر تشکلهای مردمی باشد برای طبقه کارگر و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب جذاب تر است. آن بخش از سازمان‌ها و احزاب سیاسی که با هدف دستیابی به حاکمیت تلاش می‌کنند تا از بالا اعمال قدرت کنند مغایر با ایده کارگران و مناسبات شورایی است. در عین حال احزاب سیاسی هم حق دارند در شوراها فعالیت داشته باشند.

اکنون اعتراض پیگیر هزاران کارگران هفته‌تپیه و مواضع نمایندگان آنها، خط بطلانی به مواضعی کشیده‌اند که می‌گویند: «کارگران ناتوان از مدیریت کارگری هستند و بدین سبب ناتوان از ایجاد اصول نوین سازمانی و جهت دادن به زندگی اجتماعی هستند بنابراین ضرورت دارد که یک حزب پیشگام کمونیستی قدرت را بگیرد. کارگران نیز موظفند از حاکمیت این حزب تبعیت کنند. رویدادی که پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه شاهد بودیم. در حالی که امر انقلاب و بنای جامعه سوسیالیستی، ایجاب می‌کند که توده کارگران سازمان‌یافته و بدون واسطه قادر به اداره تمام فعالیت‌های اجتماعی شده باشد و جامعه را مدیریت کند. همان‌طور که کمون پاریس اداره شورایی جامعه را متحقق ساخت.

بی تردید علاوه بر طبقه کارگر، سایر اقشار مختلف جامعه نیز شوراهای خود را در محل کار و زندگی به‌وجود می‌آورند. این شوراها نمایندگان محلی و شهری و منطقه‌ای خود را انتخاب می‌کنند و نمایندگان این شوراها، کنگره سراسری شوراها شرکت می‌سازند تا مسایل سراسری کشور را هماهنگ کنند.

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

ژانویه ۲۰۱۹

زنده باد جنبش کارگری

اهداف کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد با هدف آشنایی، معرفی و جلب پشتیبانی از جنبش کارگری ایران و سوئد تشکیل شده است. رساندن اخبار و مبارزات جنبش کارگری به سازمان‌ها و نهادهای کارگری به‌طور روتین از وظائف کمیته می‌باشد. قوی کردن همبستگی کارگری و شرکت فعال در مبارزات کارگری نیز از اهداف کمیته است.



شکل کار

- *انتشار نشریه به زبان‌های فارسی و سوئدی، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی عمومی
- *شرکت و سازماندهی جلسات کارگری
- *تماس با فعالین، نهادها و سازمان‌های کارگری
- *سازماندهی کلاس‌های آموزشی
- *برگزاری جشن‌ها و شب‌های همبستگی
- *شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس
- *تشکیل گروه‌های کاری برای پیشبرد طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در مورد وضعیت زنان کارگر و برنامه‌های ویژه
- *برای جوانان و نو جوانان و غیره
- *جلب پشتیبانی از مبارزات کارگری و شرکت فعال در مراسم و مبارزات کارگری در سوئد
- *برگزاری کمپین‌های اعتراضی و قرفه‌های اطلاعاتی

آئین‌نامه

- * همه افراد موافق اهداف کمیته بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب می‌توانند عضو کمیته شوند.
- * اعضا از حقوق کامل و برابر در تمامی سطوح کاری کمیته برخوردارند.
- * اعضا حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی سطوح کمیته را دارا می‌باشند.
- * پذیرش مسئولیت در کمیته داوطلبانه است.
- * مجمع عمومی بالاترین ارگان کمیته بوده که هر ۶ ماه یکبار تشکیل می‌شود.
- * تمامی مسئولین در مجمع عمومی توسط اکثریت اعضا انتخاب شده و نیز با خواست اکثریت اعضا قابل عزل می‌باشند.
- * مسئولیت‌ها در کمیته دوره‌ای است.
- * اهداف، شکل کار و آئین‌نامه و امور مالی کمیته در مجمع عمومی بحث، تغییر و تصویب می‌گردد.
- * مجمع عمومی با نصف + ۱ اعضا رسمیت داشته و تمامی تصمیمات نیز حداقل با رای ۳/۲ اعضا حاضر در مجمع تصویب می‌گردد.
- * حق عضویت ماهیانه ۵۰ کرون سوئد می‌باشد.
- * مجمع عمومی هیئتی را برای هماهنگی فعالیت‌ها انتخاب می‌نماید.
- * مجمع عمومی فوق‌العاده توسط نصف + ۱ اعضا فراخوانده می‌شود.
- * فراخوان مجمع عمومی یک ماه قبل به اطلاع همه اعضا می‌بایست رسیده باشد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

isask@comhem.se

IRANSK – SVENSKA ARBETAR SOLIDARITETS KOMMITTÉN

ISASK

تنها آترناتیو در مقابل جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در ایران، شوراها کارگری و مردمی است!

شکنجه و محرومیت ختم می‌شود. همه این‌ها از معضلات واقعی جامعه ایران است که میلیون‌ها انسان با آن دست بگریباندند. در نظام گندیده و فاسد جمهوری اسلامی، اعتراض، خواست حقوق انسانی، دفاع از حق اشتغال و امنیت شغلی، خواست حقوق‌های عقب‌افتاده و ... حبس و زندان را به‌همراه دارد. وثیقه‌های سنگین میلیون‌ها برای آزادی زندانیان تعیین گردیده، در شرایطی که رژیم مجبور به آزادی زندانیان می‌شود، آزادی زندانیان به‌صورت موقت و مشروط است.

رژیم وحشی و سرکوبگر جمهوری اسلامی در تقلا است که به اشکال مختلف، کارگران و مردم تحت ستم ایران را از بیان و خواست مطالبات بر حق خود باز دارد. تا زمانی که فقر و بی‌حقوقی کارگران و زحمت‌کشان هر روز افزایش می‌یابد، کارگران و مردم زحمت‌کش از داشتن تشکل مستقل، حق برپایی اجتماعات و اعتصابات محرومند، سردمداران حکومت، نیروهای نظامی و امنیتی و سایر سرمایه‌داران خصوصی و دولتی، در پی خالی کردن سفره‌های مردم و سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی آن‌ها هستند، کارگران و اقشار تحت ستم از مبارزه برای احقاق حقوق خود دست برنخواهند داشت. خواست جامعه‌ای برابر و آزاد با تامین معیشت عمومی و عاری از هر گونه تبعیض، ستم و استثمار، دستگیری و شکنجه، زندان و اعدام برای کل آحاد جامعه در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در این چهار دهه حکومت سرمایه‌داری در ایران اعتراضات مردم علیه این رژیم هیچ‌گاه آرام نگرفته است و در این یکسال گذشته افزایش و گسترده‌تری اعتراضات و رادیکال‌تر شدن خواسته‌ها و مطالبات کلیت رژیم را به لرزه انداخته است. ترس و وحشت رژیم سرمایه‌داری ایران را آن‌چنان در بر گرفته است که بار دیگر همانند اوایل انقلاب به



رژیم جمهوری اسلامی ایران از همان بدو به‌قدرت رسیدن، با زندانی کردن، شکنجه، اعدام و کشتار مخالفین و تحمیل فقر و بی‌کاری، افزایش اعتیاد و فحشا در جامعه به حیات نکبت‌بار خود ادامه داده است. کماکان اکثریت جامعه از بی‌حقوقی کامل برخوردارند. نبود حق تشکل، اعتصاب، آزادی بیان، قلم و تجمع بر کسی پوشیده نیست. سرکوب مخالفین، اقلیت‌های ملی و مذهبی، کارگران، زنان، جوانان و تمامی نیروهای مترقی از روش حکومتی این رژیم ضد انسانی همانند رژیم شاه و سلطنت پهلوی است.

دهه 60 یکی از دوران سرا پا سیاه حکومت تا به دندان مسلح جمهوری اسلامی، که با خون هزاران انسان نوشته شده است، رژیم این جنایات انسانی را نه تنها با این دهه خاتمه نداد، بلکه به دستگیری‌ها و اعدام‌های بیش‌تر و دادن حکم‌های طول‌المدت به زندانیان تداوم بخشید، و ادامه حیات و موجودیتش را به دربند کشیدن هر چه بیش‌تر مبارزان و آزادی‌خواهان گره زده است. تا جایی که با سر کار آمدن روحانی و دولتش به علت ترس از شرایط به‌شدت بحرانی جامعه ایران؛ شمار اعدام‌ها و دستگیری‌ها افزایش یافته است. حمله سازمان یافته و وحشیانه به بندهای مختلف زندان، حمله به اعتصابات و اعتراضات و شلاق زدن کارگران اعتصابی نه تنها چهره از توحش هر چه بیش‌تر این رژیم بر می‌دارد، بلکه گواه این است که مزدوران

شوراها کارگری و تشکلات مستقل کارگری حمله‌ور شد و تشکل‌های دست‌ساخت خود، مانند شوراهای اسلامی، خانه کارگر و انجمن‌های صنفی را ایجاد نمود، برای ایجاد تفرقه و مقابله با تشکل‌های مستقلی مانند سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، پروژه ایجاد سندیکای دولتی با کمک نیروهای پلیسی و امنیتی و افراد وابسته به خود با شعار تشکیل مجمع عمومی دست زده است. این اقدام ضد کارگری، پلیسی و امنیتی رژیم را نیز باید افشا و با شکست روبه‌رو کرد. حمایت از تشکل‌های مستقل کارگری در این شرایط ضروری و بی‌وقفه باید پیش برده شود. در این شرایط باید محکم و استوار در مقابل آترناتیوسازی‌های راست و امپریالیستی متحدن ایستاد و آن‌ها را بی‌وقفه افشا نمود.

اعتراضات مستمر و سراسری کارگران و این اواخر، کارگران نیشکر هفت‌تپه، کارگران فولاد اهواز، رانندگان کامیون‌ها و ده‌ها اعتصاب و اعتراض کارگری دیگر، تحصن و اعتراض سراسری معلمین و بازنشستگان، پرسنل بهداشتی و درمانی، دانشجویان و دیگر نیروهای اجتماعی نشان از نزدیک‌تر شدن برچیدن بساط این نظام گندیده در ایران را می‌دهد. تشکل‌یابی هر چه بیش‌تر؛ اتحاد و همبستگی ما از هر زمان دیگری ضروری‌تر شده است. پیش به‌سوی ایجاد شوراها کارگری و مردمی برای سرنگونی و کسب قدرت جامعه!

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند



جمهوری اسلامی از بحرانی که جامعه ایران را فرا گرفته و با آن رودرو هستند به‌شدت در وحشت‌اند. سران حکومتی با این سرکوب‌ها و ایجاد جو رعب و وحشت می‌خواهند از هر حرکت و اعتراضی بر علیه شرایط موجود جلوگیری نمایند.

کم‌تر کسی است که از فجایع و سرکوبگری مردم در ایران در دوران حکومت جمهوری اسلامی خیر نداشته باشد. دولت‌ها و سیاست‌مداران بهتر از هر کسی می‌دانند که نزدیک به چهار دهه جمهوری اسلامی در ایران به وحشیانه‌ترین شکلی، اکثریت شهروندان را به نابودی کشانده است.

موج فجایع در ایران علیه اکثریت شهروندان آن‌چنان رسا است که حتی تمامی نهاد‌های بین‌المللی وابسته به ارتجاع امپریالیستی نیز هر ساله در گزارشات خود به نقض حقوق شهروندان، بی‌امنیتی اجتماعی، شرایط ناامن، نبود حق تشکل، اعدام‌ها، زندانی و شکنجه، تجاوز و تبعیض جنسیتی و خودکشی دختران جوان و ... در ایران اشاره می‌کنند.

کارگران و مزدبگیران با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و با بی‌کارسازی‌های وسیع دست و پنجه نرم می‌کنند، به کارگران اعتصابی که به دریافت نکردن ماه‌ها دستمزد اعتراض می‌کنند حمله‌ور شده و به نمایندگان‌شان شلاق می‌زنند، کاملاً با شیوه‌های قرون وسطانی با معترضین برخورد می‌شود، زنان شدیدترین بی‌حقوقی‌ها و ستم مضاعف تحت حاکمیت رژیم اسلامی را با پوست و استخوان خود احساس می‌کنند، جوانانی که ابتدایی‌ترین حقوق انسانی از آنان سلب شده است قربانیان اصلی معضلات اجتماعی همانند، بی‌کاری، اعتیاد هستند، تجارت دختران جوان و فحشاء و خشونت‌های گوناگون که در نهایت بازتاب آن به سرکوب، زندان،

مبارزه برای حق اعتصاب و جلوگیری از افزایش اجاره‌ها و تغییر قانون کار به نفع صاحبان سرمایه در سوئد

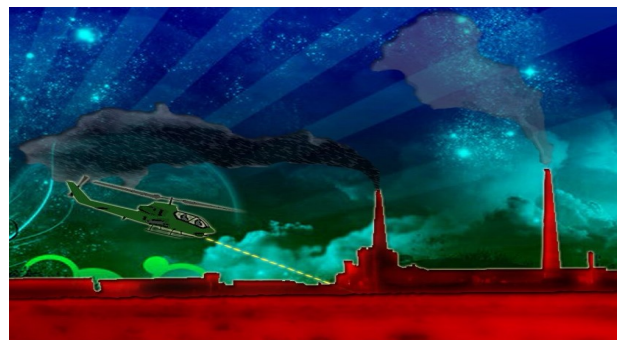
گردهمایی

به یاد کارگران جانباخته خاتون آباد!

با خواست آزادی کارگران زندانی و دیگر

زندانیان سیاسی!

زمانی که کارگران ذوب مس درخاتون آباد برای کارودرمخالفت با اخراج‌ها و پرداخت دستمزدهای عقب افتاده‌شان اعتصاب و تحصن کردند، نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران کارگران را به گلوله بستند و در این حمله وحشیانه 7 تن از کارگران و مردم شهر جان باختند که تنها اسامی 4 نفر از کارگران به نام های ریاحی، مهدوی، جاویدی، مومنی و یک دانش‌آموز به نام پورامینی اعلام گردید. در این یورش که از آسمان و زمین صورت گرفت، تعداد زیادی از کارگران و مردم پشتیبان کارگران نیز زخمی و دستگیر شدند. جنبش کارگری در ایران و دیگر نقاط جهان هرگز 4 بهمن 1382، این روز سیاه را فراموش نخواهند کرد. کارگران در مقابل این عمل جنایتکارانه حامیان سرمایه، ساکت نماندند و اعتراضات وسیعی در داخل و خارج علیه رژیم گنبدیده سرمایه‌داری در ایران صورت گرفت. کم نیستند فعالین کارگری و اعتصابی که جان خود را چه در رژیم شاه و چه در رژیم جمهوری اسلامی برای گرفتن حق و حقوق انسانی، طبیعی و پایه‌ای خود و نیز به‌خاطر مبارزه و ستیز طبقاتی با طبقه استثمارگر حاکم از دست داده‌اند.



مبارزه کارگران خاتون آباد تا دوام خود را در اعتراضات وسیع کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی از جمله: اعتصاب کارگران گروه فولاد اهواز، شرکت هفت‌تپه، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان و ... در اشکال مختلف امروز به نمایش گذاشته است، اعتصابات و اعتراضات و تحصن‌ها و گردهمانی‌های بی‌شماری در جریان است. رژیم هار و جنایتکار جمهوری اسلامی دیوانه‌وار حمله به صفوف معترضین کرده و با دستگیری و شکنجه، رویای ادامه حیات دارد. زندان‌های رژیم مملو از کارگران زندانی، معلمین و دیگر زندانیان سیاسی است. با تحت فشار بودن معترضین مجبور به آزاد کردن زندانیان است اما وثیقه‌های سنگین را شرط کرده، که این جز نمایش ترس و وحشت و انتقام رژیم از مبارزین چیز دیگری نیست. آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی فقط در سایه یک مبارزه همه‌جانبه هم در داخل و هم در خارج بر علیه این دم و دستگاه فاسد و استثمارگر امکان‌پذیر است.

زمان: شنبه 26 ژانویه 2019، ساعت 13

مکان: ABF- Stockholm

Sveavägen 41

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

Iransk-svenska arbetarsolidaritetskommittén

به‌تازگی سوسیال دمکرات‌ها با همراهی احزاب مرکز، لیبرال و حزب محیط زیست سوئد با توافق بر سر یک برنامه لیبرالی و راست به‌نفع سرمایه‌داران، چهار ماه بعد از انتخابات با بحث و گفتگو در اتاق‌های در بسته با کمک حزب چپ سوئد، دولت آتی را تشکیل دادند. توافق دولت نو لیبرال سوئد بیش‌ترین بندهای مورد توافق‌شان، گسترش بیشتر اختلاف طبقاتی، تضعیف امنیت در محیط‌های کاری، افزایش اجاره‌ها، کم کردن مالیات بر درآمد ثروتمندان، حق بیمه بیکاری کمتر و ریاضت اقتصادی و حمله به حقوق و کمک‌های اجتماعی و ... از توافق 73 بندی‌شان می‌باشد. در سال گذشته، سازمان سرمایه‌داران سوئد سعی در محدود کردن حق اعتصاب و تخریب دمکراسی در محیط‌های کار را در دستور گذاشت. توافق مابین سازمان صاحبان سرمایه و مقامات بالای اتحادیه‌ها پیشنهاد برای تصویب قانون در محدود کردن حق اعتصاب برای نظر خواهی به جریان افتاد. در مقابل چندین گردهمایی عمومی، تظاهرات، تحصن، جلسات بحث و گفتگو در شهرهای مختلف علیه محدود کردن حق اعتصاب برگزار شد، هم اکنون کارگران، مزدگیران، اعضا و فعالین اتحادیه‌ها و سندیکاها و دیگر تشکلهای کارگری تدارک ادامه اعتراض و سازمان‌دهی بیشتر برای حفظ حق اعتصاب را در دستورکار دارند و در پی سازمان‌دهی موثرتر در مقابل حمله احزاب به حقوق پایه خود می‌باشند.

با تشکیل دولت نو لیبرال سوئد به سرکردگی حزب سوسیال دمکرات و حزب محیط زیست حمله به حق اعتصاب و نیز تغییر قانون کار به نفع سرمایه‌داران در دستور کار جدی‌ترشان قرار خواهد گرفت.

اما آنچه احزاب موجود در قدرت، مقامات اتحادیه‌ها، سیاستمداران و صاحبان سرمایه پشت درهای بسته فراموش میکنند، نقش کارگران و زحمت کشان است که در کف کارخانه و کارگاه و خیابان حضور دارند و تصمیم گیرندگان واقعی هستند. کارگران و مزدگیران هستند که کار و تولید می‌کنند. همان‌گونه که انتخاب می‌کنند که کار کنند، توان تعطیل کار را نیز دارند. کارگران و زحمت‌کشان خود مستقلاً تصمیم می‌گیرند که چگونه خود را سازمان‌دهی کنند و چگونه برای شرایط عادلانه در محل کار و زیست مبارزه کنند. مصممانه علیه کلیه محدودیت کردن حق اعتصاب، افزایش اجاره‌ها و تغییر قانون کار باید سازمان‌دهی کرد و ایستاد و حمله سرمایه‌داران و صاحبان سرمایه و احزاب و دولت‌های‌شان را باید خنثی نمود. همبستگی کارگری مرزی نمی‌شناسد. پیروزی ما در اتحاد ماست!

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
ژانویه 2019



نگاهی به اعتصاب و اعتراض...

شعراهایی که دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از کارگران نیشکر هفته تپه سر می‌دادند از این قرار بود:

شوراهای زنده باد، کارگر پاینده باد

نان، کار، آزادی

فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم

دانشجو، معلم، کارگر، اتحاد اتحاد

دانشجو، معلم، کارگر ایستاده ایم در سنگر

دانشجوی زندانی آزاد باید گردد

کارگر زندانی آزاد باید گردد

این همه سال داستان دو طفل مسلم را برای ما گفتند با بچه‌های من بدتر رفتار کردند، با دیگ غذا زدند توی سر دخترم، سپیده فریاد می‌زد. دست و پای پسرم را بستند انداختند صندوق عقب ماشین. من رفتم اطلاعات شوش گفتند تو را هم بازداشت می‌کنیم.

جان سپیده و برادرش در خطر است، یکی از ماموران لحظه بازداشت فریاد می‌زد همه ولش کنن، من یکی ولش نمی‌کنم، می‌کشم این دختر رو. پسرم التماس می‌کرد به من که تو رو خدا نگذار منو بیرن تمام سر و صورت پسرم پر از خون بود اصلا نمی‌دونم سالم بر می‌گردند. من فقط می‌خواهم صدای منو بشنوند نگذارند بچه‌های منو بکشند.

کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه شامگاه یکشنبه 30 دی 9797 خبر داد اسماعیل بخشی توسط افراد ناشناس بازداشت شده است.



اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در تاریخ 27 آبان‌ماه به‌همراه دست‌کم 19 تن از جمله تمامی اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت‌تپه به‌همراه چند فعال کارگری و تعدادی از شاغلین و مدیران شرکت که جهت پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان در پلیس امنیت حاضر

در این خبر آمده است: «بر اساس خبری که دریافت کرده‌ایم دقیقاً پیش تعداد زیادی نیروی مسلح همراه با چهار ماشین پاترول به خانه اسماعیل بخشی هجوم برده و او را بازداشت کرده‌اند. هویت افراد مسلح تا ارسال این خبر نامشخص اعلام شده است.»

خبر تکمیلی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در باره بازداشت اسماعیل بخشی:

بر اساس آخرین خبر رسیده ساعت 23/55 دقیقه امشب یکشنبه شب ۱۵ ماشین پاترول!!! که حامل تعداد زیادی نیروی مسلح بوده، به خانه اسماعیل بخشی حمله‌ور شده و اسماعیل بخشی را به مکان نامعلومی انتقال داده‌اند.

اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت‌تپه است و سپیده قلیان هم حامی سرسخت این کارگران است. اعتراض اسماعیل بخشی و سپیده قلیان به شکنجه شدن در زندان، موج وسیعی از خشم و اعتراض عمومی را نسبت به حکومت جهل و جنایت، زندان و شکنجه، اعدام و ترور برانگیخت و اسماعیل بخشی، این بار به یک چهره سیاسی حق‌طلب و جسور در جامعه ایران مطرح شد.

این بار حکومت اسلامی، با پخش فیلم مضحک مستند سوخته و این که این دو کمونیست هستند نه تنها موفق نشد چهره‌های آن‌ها را خدشه‌دار کند، بلکه باز هم با اعتراضات عمومی مواجه شد. تا این که سرانجام مجدداً اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را دستگیر کردند. بی‌تردید کارگران و مردم باید در مقابل این ترندهای جنایت‌کارانه و تبه‌کارانه حکومت اسلامی سکوت نخواهند کرد. آن‌ها این بار شعار اداره شورایی، نان، مسکن و آزادی را رساتر فریاد خواهند زد.

سپیده قلیان و اسماعیل بخشی، تنها جرم‌شان مبارزه برای احقاق حقوق کارگران و افشای شکنجه‌های وحشیانه در زندان‌های حکومت اسلامی است. بنابراین، با دستگیری اسماعیل بخشی و سپیده قلیان حکومت اسلامی، نه تنها قادر نیست صدای اعتراض بر حق و علانته کارگران را خاموش کند، بلکه موجی از اعتراضات در داخل و خارج کشور علیه این حکومت جانی راه خواهد افتاد.

شده بودند در محل پلیس امنیت شوش بازداشت شد و در تاریخ 27 آذرماه با قرار وثیقه آزاد شده بود.

سپیده قلیان متولد 1374 و فعال مدنی اهل اهواز پیش‌تر نیز در تاریخ 6 اسفند 95 در منزل پدری بازداشت و در تاریخ 11 اسفندماه همان سال با قرار وثیقه 200 میلیون تومانی و تا پایان مراحل دادرسی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز آزاد شده بود.

اسماعیل بخشی یکی از فعالان کارگری بازداشتی شرکت نیشکر هفت‌تپه نیز که هم‌زمان با سپیده قلیان بازداشت شده بود در تاریخ 21 آذرماه 1397 با تودیع وثیقه 400 میلیون تومانی آزاد شده بود. وی در روز 14 دی‌ماه طی نامه‌ای از شکنجه‌های دوران بازداشتش نوشته بود و وزیر اطلاعات را به‌مناظره در برنامه زنده تلویزیونی دعوت کرده بود که با واکنش‌های گوناگونی از سوی دولت، قوه قضاییه و مجلس ایران روبرو شد. تلویزیون حکومت اسلامی ایران شب شنبه 29 دی ماه / 19 ژانویه، در فیلمی با عنوان «طراحی سوخته» اعترافات اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه را نمایش داد که در آن گفته بودند با گروه‌های مارکسیستی و برانداز در خارج از ایران ارتباط دارند.

پدر سپیده قلیان درباره بازداشت دخترش گفته است: ساعت 7 صبح 12 مامور مرد و دو مامور زن با خشونت ریختند خانه، دندان‌های پسرم را شکستند من و همسرم را کتک زدند گفتند دخترت را هم می‌کشیم. خواهش می‌کنم نگذارید بچه‌های ما را بکشند.

این همه سال داستان دو طفل مسلم را برای ما گفتند با بچه‌های من بدتر رفتار کردند، با دیگ غذا زدند توی سر دخترم، سپیده فریاد می‌زد. دست و پای پسرم را بستند انداختند صندوق عقب ماشین. من رفتم اطلاعات شوش گفتند تو را هم بازداشت می‌کنیم.

نگاهی به اعتصاب و اعتراض پیگیر کارگران شرکت هفت‌تپه

اعتراضی و آزادی خواهانه در شهر به حرکت در آمد. بر سیل جمعیت هر دم افزوده می‌شد و مغازه‌داران نیز مغازه‌های خود را به نشانه اعتراض بستند و بسیاری از آن‌ها به جمعیت پیوستند. اتحاد و همبستگی بخش‌های مختلف مردم علیه حاکمین و مفت‌خوران را می‌شد به‌وضوح دید. زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان با دست نوشته‌هایی در حمایت از کارگران بازداشتی نیشکر هفت‌تپه همراه با جمعیت حرکت می‌کردند و فریاد می‌زدند و شعار می‌دادند و عزم خود را برای ادامه مبارزه ابراز می‌کردند. جمعیت خشمگین شعار می‌داد «**کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد**»، «**این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملت**»، «**کارگرا**

اسیرن، دزدا راحت در میرن» و شعارهای دیگری که حاکی از خشم و عصبانیت مردم از نیروهای انتظامی و سیستم حاکم بود. سپس جمعیت به‌طرف دادگاه اسلامی حرکت کردند و در آن‌جا با فریاد «**کارگر زندانی آزاد باید گردد**» اعتراضات ادامه یافت. در این روز گروهی از کارگران نیشکر هفت‌تپه به‌نشانه اعتراض به ساتسور خبری «ستاد خبری شوش» در برابر دفتر این روزنامه تجمع کردند و به سکوت این نهاد اعتراض کردند.

هم‌زمان با تجمع کارگران همراه با حضور و حمایت گسترده مردم شوش، در اهواز نیز کارگران گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری با شعار «**زندانی هفت‌تپه آزاد باید گردد**»، تجمع داشتند. **کارگران گروه ملی در راه‌پیمایی خود شعار می‌دادند «ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم می‌جنگیم»، «کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد»، «ما فیا خدایی می‌کنه کارگر گدایی می‌کنه»** در

این تجمع یکی از کارگران در مورد ادامه اعتراض‌شان و این‌که تا تولید به راه نیفتد و دستمزهایشان پرداخت نشود و تا آزادی کارگران بازداشتی هفت‌تپه به اعتراض‌شان ادامه خواهند داد، سخن گفت و با کف زدن جمعیت روبه‌رو شد. در لحظه‌ای در این تجمع یک معلم زن برای کارگران سخن گفت. وی حمایت خود به‌عنوان یک معلم را از اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه ملی، هپکو، عسلویه و همه کارگرانی که امروز با مشکلاتی مشابه در اعتراضند اعلام کرد و بر آزادی کارگران بازداشتی هفت‌تپه تاکید نمود.

در این روز همچنین گروهی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در تهران در اعتراض به دستگیری کارگران نیشکر هفت‌تپه تجمع کردند و بیانیه‌ای را در حمایت از خواست‌ها و اعتراضات کارگران قرائت کردند. جمعی از کارگران عسلویه نیز در ابتکاری جالب با ارسال کلیپی همبستگی خود را با کمپین حمایت از کارگران هفت‌تپه اعلام کرده‌اند. از سوی دیگر، در همین فاصله کوتاه طوماری اعتراضی با بیش از 200 امضاء از سوی فعالین کارگری در حمایت از کارگران نیشکر هفت‌تپه انتشار یافت و این حرکت اعتراضی ادامه دارد. همچنین ده‌ها وکیل طی نامه‌ای ضمن بر حق دانستن تجمع کارگران نیشکر هفت‌تپه برای خواست‌های و مطالبات‌شان، خواستار پاسخ‌گویی به معضلات کارگران نیشکر هفت‌تپه شده‌اند. به‌علاوه جمعی از کارگران فصلی و مهاجر دماوند و کارگران قند اهواز همبستگی خود را با کارگران نیشکر هفت‌تپه اعلام کرده‌اند. گروهی از کارگران کارخانه هپکو نیز با در دست گرفتن بنر و پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده است «**ما از کارگران هفت‌تپه، حمایت می‌کنیم**» با مبارزات کارگران نیشکر هفت‌تپه اعلام همبستگی کردند. شورای بازنشستگان، معلمان، شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه و... با کارگران اعتصابی هفت‌تپه اعلام همبستگی کردند. در خارج کشور موجی از حمایت از این کارگران راه افتاد.



کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در ماه‌های اخیر به دلیل پرداخت نشدن چهار ماه حقوق، با حضور در محل شرکت و فرمانداری شوش خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. این در شرایطی است که مقامات قضایی ایران اعلام کردند مدیرعامل شرکت «کشت و صنعت هفت‌تپه» فراری است و اصلاً زندان نیست که فرصتی به او داده شود تا مشکلات را حل کند.

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، که در 15 کیلومتری شهر شوش در شمال خوزستان واقع است، قدیمی‌ترین کارخانه تولید شکر از نیشکر در کشور است و نزدیک به 50 سال از تاسیس آن می‌گذرد. این شرکت براساس اصل 44 قانون اساسی اواخر سال 1394 از بخش دولتی به بخش خصوصی واگذار شد.

بیش از چهار هزار نفر به صورت رسمی، پیمانی، قراردادی و پیمانکاری در بخش‌های مختلف آن مشغول کار هستند. کارگران این واحد تولیدی در یک سال گذشته نیز در اعتراض به وضعیت صنفی خود، بارها دست به تجمع اعتراضی و اعتصاب زده‌اند.

اسماعیل بخشی، یکی از نمایندگان کارگران شرکت هفت‌تپه، بارها در تجمعات این کارگران سخنرانی کرده و به مدیریت شورایی تاکید ورزیده است.

اسماعیل بخشی می‌گوید به دلیل واگذاری شرکت به بخش خصوصی، «انسجام مدیریتی از بین رفته است.» وی در این رابطه دولت را مقصر می‌داند چون سه سال پس از آن‌که مالکان جدید،

شرکت را «چاپبند» دولت از آن‌ها حمایت کرد.

از نظر کارگران هفت‌تپه، دو راه حل وجود دارد: یا هفت‌تپه باید به شیوه خودگردانی کارگری اداره شود یا اگر دولت آن را اداره می‌کند باید همه امور زیر نظر شورای کارگری باشد.

بخشی، پیش‌شرط این راه‌حل‌ها را تشکیل «شوراهای کارگری» در همه بخش‌های مختلف شرکت هفت‌تپه می‌داند و معتقد است بعد از این نباید حرف از حضور بخش خصوصی زد!

با وجود دستگیری اسماعیل بخشی و تعداد دیگری، کارگران این مجتمع بزرگ کارگری در ادامه اعتراض‌شان با شعار «**کارگر زندانی آزاد باید گردد**»، به خیابان آمدند و در حالی‌که سیل جمعیت مردم شوش آن‌ها را همراهی می‌کردند در سطح شهر دست به راه‌پیمایی زدند. طنین شعارها شهر را به تکان در آورده بود.

از صبح زود کارگران گروه‌گروه با اتوبوس و ماشین‌های شخصی برای تجمع و اعتراض به طرف فرمانداری شهر در حرکت بودند. ماشین‌های کارگران هفت‌تپه با کف زدن و استقبال گرم مردمی که منتظر آنان بودند روبه‌رو شد. همچنین از قبل شمار زیادی از مردم شوش در برابر فرمانداری جمع شده بودند که به جمع کارگران پیوستند. بدین ترتیب جمعیت بزرگی از کارگران هفت‌تپه، خانواده‌ها و مردم شوش در مقابل فرمانداری گرد آمدند.

شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد با صدای رسا فریاد زده می‌شد. سیل جمعیت خشمگین با شعارهای

Ismaeil Bakhshi

Utmaning till debatt på ett live-tv-program till Iranska islamiska republikens minister för underrättelse-tjänsten, Hojattoleslam Alawi

Under de 25 dagar var jag orättvist häktad av underrättelsetjänsten och utsatte jag för umbäranden och svårigheter som jag fortfarande lider av. För att kunna bli av med mitt lidande så har jag blivit tvungen att ta psykofarmaka. Men under hela den tiden så har jag grubblat mycket över två viktiga frågor som bara du, personligen, kan svara på och det är min och det iranska folkets rätt att få svar på dessa frågor.

För det första, utan någon förklaring eller några ord så torterades och misshandlades jag nästan till döds redan den första dag och det ledde till att jag inte ens kunde röra på mig i min cell på 72 timmar. Jag misshandlades så mycket att på grund av outhärdliga smärtor så var till och med sömnen ett lidande. I dag, ungefär två månader efter den dagen, så har jag ont i mina brutna revben, mina njurar, mitt vänstra öra och mina testiklar. Det som är intressant är att trots att torterarna kallade sig för Imam Zamans okända soldater, så förolämpade de mig och Sepide Gholyan med de värsta typerna av könsord. De misshandlade henne också. Det var värre att bli psykiskt torterad än fysiskt. Jag vet inte vad de gjorde mot mig som gjorde mig så svag. Jag som alltid setts som en modig och ståndaktig människa förolämpades och blev en helt annan person. Mina händer darrar fortfarande och trots att jag tar tabletter så får jag kraftiga panikattacker.

Nu vill jag ställa denna fråga till dig, som minister för underrättelsetjänsten och med en religiös offentlig profil:

Hur ser du på tortyr av en anhållen, ur en moralisk och religiös (islamisk) synvinkel och i ljuset av mänskliga rättigheter? Är det rätt att tortera någon? I så fall till vilken grad?

Den andra frågan som är viktigare än tortyren för mig och min familj är tjuvlyssning av mina och min familjs samtal av underrättelsetjänsten. Min förhörare sa till mig: "Vi vet allt om dig, vi vet att din fru har bråkat med dig ett par gånger angående din kamp". Jag frågade hur de vet om sådant. Förhöraren sa: "Vi tjuvlyssnade på dina samtal under en lång tid". Detta gjorde att jag blev jättearg under förhöret.

Min och min familjs fråga till dig, som minister för underrättelsetjänsten och religiös profil är denna:

Är det rätt att tjuvlyssna på människors mest privata samtal, moraliskt och religiöst sett, och i linje med mänskliga rättigheter? Vad



gav er rätten att tjuvlyssna på privata samtal mellan mig och min högt älskade fru?

Härmed, herr Alawi, uppmanar jag, Ismaeil Bakhshi, dig till att ta denna debatt på ett live-tv-program för att få höra dina svar på dessa frågor.

Ismaeil Bakhshi
4 januari 2019





Strejkande arbetare arresterades, sårades och mördades i Khaton Abad av regimen i Iran!

Stöd internationella kampanjen för frigivning av de fängslade arbetarna och de politiska fångarna i Iran!

När arbetarna vid kopparsmältverket i Khaton Abad krävde arbete och strejkade mot avskedningar öppnade Iranska islamiska regimen militära styrkor eld mot dem.

Arbetarrörelsen i Iran och övriga delar av världen kommer aldrig att glömma bort den svarta lördagen den 24 jan 2004. De kommer inte att vara tysta om den brutala handlingen som skett. Denna kriminella handling visar att arbetarna behöver sina fria och oberoende organisationer.

Islamiska regimen befinner sig i en stor ekonomisk och politisk kris. Majoritet av samhället har påbörjat med mer intensiv kamp för sina rättigheter. Strejker, demonstrationer och protestaktioner organiseras vid olika arbetsplatser och städer. Folket i Iran säger inte bara nej till islamiska regimen utan kämpar aktiv för att den ska falla och för att ta makten i sina egna händer. Majoriteten har fått nog av fattigdom, arbetslöshet, förtryck, diskriminering, korruption, fängelser, avrättning och liknande.

Vi behöver hjälp och stöd att kunna vidare stärka kampen mot islamiska regimen i Iran. Internationell solidaritet har blivit viktigare än någonsin för att störta diktaturen och fascisterna i Iran som har suttit vid makten snart 40 år.

Idag är iranska fängelser full av politiska fångar utan att ha möjligheter till försvar och många gånger utan rätt till besök av sina familjemedlemmar. Den arbetarfientliga islamiska regimen behandlar de fängslade arbetaraktivisterna och politiska fångarna barbariskt och utsätter dessa för fysiska och psykiska tortyr. Den inhumana regimen i Iran sätter arbetaraktivisterna och sina politiska motståndare i arrest med upp till flera års häktningstider och utfärdar, utan rättegång,

långa fängelsestraff eller höga borgensbelopp för villkorliga och tillfälliga frisläppning.

Vi fördömer den iranska regimen kriminella och

arbetar – och människofientliga politik.

Vi kräver omedelbar och villkorlös frigivning av alla fängslade arbetare och alla politiska fångar i Iran!



ISASK

Iransk-svenska
arbetarsolidaritetskommittén
Januari 2019

isask@comhem.se

